



جزء هشتم



تفسیر کوتاه و مسابقه قرآنی

بر پایه جزء هشتم قرآن

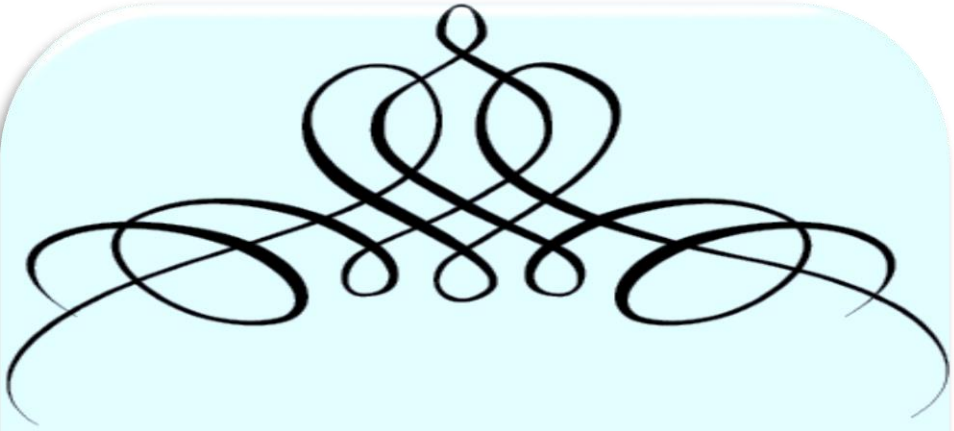
روشی نو در آموزش مفاهیم قرآن

مؤلفین: محمود خیری / غلامرضا محسنی / اصغر بهمنی

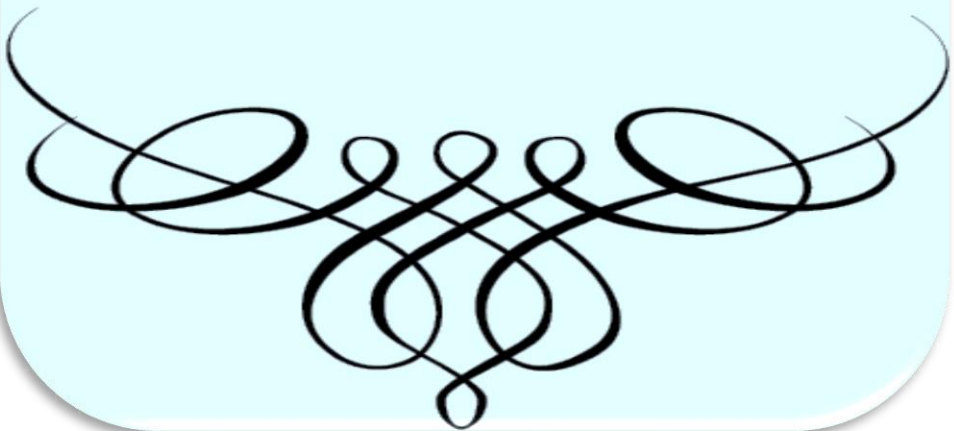
رویداد ملی فهما

طرح ایران قوی

هفته دهم



درس بیست و هشتم
سوره اعراف: آیات (۸۵ – ۸۷)



درس بیست و هشتم

سوره اعراف: آیات (۸۵ - ۸۷)

نکات مهم آیات:

۱. خداوند حضرت شعیب را که از نوادگان حضرت ابراهیم ع بود بر «مردم مدین» برانگیخت؛
۲. «مدین» یکی از شهرهای شام و مردم آن تجارت پیشه و مرفه بودند؛
۳. فساد اهل مدین، «بت پرستی»، «تقلب» و «کم فروشی» بود؛
۴. در قرآن از معجزه حضرت شعیب ع ذکر می‌شود که به میان نیامده؛ اما شاید معجزه او خبررسانی از تقلب در معاملات بوده باشد؛
۵. شعیب ع چهار دعوت داشت: ۱- پرستش الله؛ ۲- دوری از تقلب و کم فروشی در معاملات؛ ۳- زمینی را که خدا تکویناً و تشریعاً اصلاح کرده، به فسادآلوده نکنید؛ ۴- در اختلافات، صبر پیشه کنید تا خدا حکم کند؛
۶. شعیب ع به مفسدان جامعه سه هشدار می‌دهد: ۱- مانند راهزنان، ایمان مؤمنان را غارت نکنید؛ ۲- به یاد نعمت الهی برخودتان باشید؛ ۳- از عاقبت مفسدان در گذشته عبرت بگیرید؛
۷. حضرت هود وقتی از هدایت قومش ناامید شد، خبرآمدن عذاب را اعلام کرد؛

۸. سرانجام عذاب الهی نازل شد و قوم هودع را نابود کرد، مگر هود و مؤمنان را که مشمول رحمت خاص الهی شدند.



لغات درس بیست و هشتم

مَا لَكُمْ:	برای شما نیست	تَصَدُّونَ:	باز می دارید
جَاءَتْكُمْ:	برای تان آمد	تَبْغُونَهَا:	می خواهید راه خدا را
بَيِّنَةٌ:	دلیل روشن	عَوَجًا:	کج
أَوْفُوا:	تمام نهید (وفا کنید)	كثْرُكُمْ:	شما را فراوانی بخشید، زیادتان کرد
الْكَيْلِ:	پیمانه	كَيْفَ:	چگونه
الْمِيزَانَ:	ترازو	مُفْسِدِينَ:	فسادکاران
لَا تَبْخَسُوا:	کم ندهید	طَائِفَةً:	گروهی
أَشْيَاءَهُمْ:	اموال (اشیاء) آنها	أُرْسِلَتْ:	فرستاده شده ام
لَا تَقْعُدُوا:	ننشینید	لَمْ يُؤْمِنُوا:	ایمان نیاورده اند
تُوعِدُونَ:	می ترسانید	يَحْكُمُ:	داوری می کند

وَالِی مَدَیْنَ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَیِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾

ترجمه:

و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را پرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست. در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است، پس پیمانۀ و ترازو را تمام نهد و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید. این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است.

تفسیر:

پنجمین قسمت از سرگذشت اقوام پیشین و درگیری آن‌ها با پیامبرشان، مربوط است به حضرت شعیب و قومش. حضرت شعیب نسبش با چندین واسطه به ابراهیم ع می‌رسد. آن حضرت به سوی مردم شهر مدین مبعوث گردید. «مدین»^۱ یکی از شهرهای شام بود و مردمی تجارت پیشه و مرفّه داشت. گناهان و فسادهای رایج در این شهر عبارتند بودند از: بت پرستی، تقلب و کم فروشی در معاملات. بحث‌های تکمیلی در مورد آن حضرت را در سوره شعراء و به خصوص سوره هود دنبال فرمایید.^۲

وَالِی مَدَیْنَ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا: «مدین» نام شهری است که حضرت شعیب ع به سوی مردم آن برانگیخته شد و در شرق خلیج عقبه قرارداد. این شهر در جغرافیای امروز نزدیک کشور اردن قرار دارد و نامش «معان» است. مراد از «أخوت»^۳، اخوت ملی و قومی است نه دینی و ایمانی، و آنچه درباره وجه تسمیه این نام درباره سایر انبیاء گفتیم، در این جا نیز، قابل بیان است.

۱. وان جاوید، ج ۲، ص ۴۵۰؛ برخی می‌گویند، «مدین» از فرزندان حضرت ابراهیم (ع) بوده است که آن بلد را مدین نامیدند.
 ۲. مونه، ج ۶، ص ۲۴۹.
 ۳. سنیم، ج ۲۹، ص ۴۱۷.



قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ : محور اصلی دعوت پیامبران الهی دو چیز است: ۱- تحکیم پیوند خالق با مخلوق؛ ۲- تحکیم ارتباط مردم با یکدیگر در مدار عقل و عدل.

محور اول در رسالت الهی حضرت شعیب ع به خوبی نمایان است. حضرت در دعوت به توحید عبادی به قومش فرمود: از شرک دست بردارید و تنها خدا را پرستید که جز او برای شما معبودی نیست.^۴

قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ: آن گاه حضرت شعیب می فرماید: حکم مذکور (پرستش خداوند و دوری از شرک)، علاوه بر این که فرمان عقل است، به وسیله «بیّنه = دلیل روشن» از جانب خدا، تأیید شده است.^۵ این جمله دلالت دارد بر این که آن حضرت معجزاتی که دلیل بر حقانیت رسالتش باشد، داشته است، اما آن معجزات چه بوده است، قرآن کریم اسمی از این معجزات به میان نیاورده است.^۶

حضرت شعیب، سخن از معجزه را پس از دعوت به توحید و پیش از پرداختن به مبارزه علنی با فساد اجتماعی حاکم بر جامعه مدین به میان آورده است، و البته می دانیم که هر پیامبری برای اثبات نبوت خود باید معجزه‌ای بیاورد، اما معجزه او چه بوده است؟ الف)- رسالت آن حضرت شاهی بر صدق رسول بودن اوست؛ زیرا رسالت خود بیّنه الهی است. براین مبنا آن حضرت، رسالت خود را بیّنه‌ای آشکار از سوی پروردگار نامید؛ ب)- در قرآن کریم - همان طور که گفتیم - از ماهیت معجزه حضرت شعیب ع سخنی به میان نیامده است، ولی این دلیل بر عدم وجود معجزه نیست، چون در قرآن به بسیاری از معجزات پیامبران، خصوصاً پیامبر اسلام اشاره نشده است با این که حضرت معجزات فراوانی داشته است، از این رو می توان گفت ممکن است معجزه محسوسی ارائه شده که از «کم فروشی» مردم خبر می داده است، لیکن چنین اعجازی نقل نشده است.^۷

فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ: همان طور که گفتیم دومین محور دعوت انبیا تحکیم ارتباط مردم با یکدیگر است. در این محور نیز رسالت الهی حضرت شعیب ع این گونه بیان شده است که زندگی اجتماعی انسان باید برپایه تعهدات استوار باشد. اگر کاسب و پیشه‌ور است باید اهل پیمانه و میزان باشد. مهم ترین مشکل مردم مدین پس از «شرک اعتقادی»، «فساد مالی و اقتصادی» بود. آنان بسیار به ثروت اندوزی علاقه داشتند و گرانفروشی و کم فروشی در تجارت شان رایج بود؛ از این رو حضرت شعیب ع پس از دعوت به توحید، مبارزه با این فساد اجتماعی، اقتصادی را آغاز کرد و به قومش که در کیل و وزن خیانت می کردند و از این طریق حقوق مردم را

۴. همان، ص ۴۱۸.

۵. مونه، ج ۶، ص ۲۵۰.

۶. میزان، ج ۸، ص ۲۳۶.

۷. سنیم، ج ۲۹، ص ۴۱۹-۴۲۰.

زیر پا می گذاشتند، فرمود: کیل و وزن را وفا کنید؛ یعنی چه با پیمانۀ خرید و فروش می کنید و چه با ترازو، کم نگذارید و کم ندهید.^۸

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ: روشن است که نفوذ هرگونه خیانت و تقلب در امر معاملات، پایه های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگترین پشتوانه اقتصادی ملت هاست متزلزل و ویران می سازد و ضایعات غیرقابل جبرانی برای جامعه به بار می آورد، به همین دلیل یکی از موضوعات مهمی که شعیب روی آن انگشت گذاشت همین موضوع بود.^۹

هم از این رو پس از فرمان لزوم «رعایت کیل و وزن»، درباره نهی از کم فروشی، اصل جامعی به دست می دهد: «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ؛ هیچ چیزمردم را کم نگذارید». این آیه جامع ترین بیان و دستور درباره رعایت حقوق مردم است؛ زیرا کلمه «الناس»، هر انسانی را در بر می گیرد و کلمه «اشیاء» هر چیزی اعم از اموال، اعراض، نوامیس و دیگر حقوق را فرا می گیرد.^{۱۰}

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا: خدای سبحان، زمین را تکویناً و تشریعاً اصلاح کرد، آن گاه از فساد در آن نهی فرمود. اصلاح تکوینی زمین فراهم آوردن همه نوع امکانات زندگی برای بشر در آن است و اصلاح تشریعی زمین، فرستادن پیامبران و فرو فرستادن کتاب های آسمانی است. پس با پیروی از شیطان و نافرمانی خدا نایستی زمینه ساز فساد و افساد در جامعه شد. ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: دعوت ها و فرمان های الهی در صورتی خیر است که مقید به ایمان باشد.^{۱۱}



مان، ص ۴۱۹-۴۲۱.

بونه، ج ۶، ص ۲۵۰.

تسنیم، ج ۲۹، ص ۴۲۳-۴۲۴.

همان، ص ۴۲۷.

درس بیست و نهم

خلاصه درس های

۱۶ تا ۲۸

سوره اعراف ۲۲ تا ۸۷



درس بیست و نهم
خلاصه درس‌های ۱۶ تا ۲۸
سوره اعراف آیه ۲۲ تا ۸۷

سوره اعراف: آیات (۷۳ - ۷۹)

نکات مهم آیات:



آیات ۲۲ - ۲۵: شیطان، آدم و حواری فریب داد و خداوند ندا داد: مگر نگفتم شیطان دشمنی آشکار برای شماست! آن دو گفتند: خدایا! به خودمان ظلم کردیم، پس ما را ببخش. خداوند نیز آن‌ها را بخشید، ولی فرمود: از این مقام پائین روید و روی زمین مستقر گردید که مرگ و زندگی شما در آن است.

آیات ۲۶، ۲۷: خداوند فرمود: ای فرزندان آدم! لباس ظاهری می‌دهم تا اندام‌تان را بپوشانید و با آن زینت گیرد و لباس تقوا هم می‌دهم تا عیب‌های باطنی خود را بپوشانید. پس مواظب باشید شما هم مانند پدر و مادرتان فریب شیطان را نخورید که شیطان و قبیله‌اش شما را می‌بینند ولی شما قادر به دیدن آن‌ها نیستید، و البته او سرپرست بی‌ایمان‌هاست.

آیات ۲۸، ۲۹: مشرکان پس از انجام کارهای زشت دست به دو توجیه می‌زدند: ۱- راه پدران‌مان را ادامه می‌دهیم؛ ۲- خدا چنین دستور داده است. ای پیامبر! به آن‌ها بگو خداوند به عدل و داد دستور داده نه به کارهای زشت که آن را به دروغ به خدا نسبت می‌دهید. به مؤمنان هم بگو خداوند را مخلصانه در هر عبادتی بخوانند.



آیه ۳۰: در برابر دعوت انبیاء، گروهی هدایت و گروهی ضلالت یافتند که البته شیطان سرپرست گمراهان است نه مؤمنان.

آیات ۳۱-۳۳: ای فرزندان آدم! در هر عبادتگاهی زینت خود را حفظ کنید. همچنین بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. ای پیامبرص! به مسلمانان بگو: چه کسی «زینت الهی» و «روزی پاک» را بر شما حرام کرده است؟! آنچه را خدا حرام کرده، کارهای زشت، گناه، ستم، شرک و افتراء به خداست.

آیه ۳۴: هر امت و ملتی اجلی دارد که تقدیم و تأخیر در آن راه ندارد.

آیات ۳۵، ۳۶: ای فرزندان آدم! هرگاه رسولان آمدند و آیات مرا بر شما خواندند، پس تقوا پیشه کرده و عمل نیک انجام دهید و بدیهی است که هر کس آیات مرا تکذیب کند از روی تکبر، جهنم در انتظار اوست.

آیات ۳۷-۳۹: چه کسی از «افتراء زننده به خدا» و «تکذیب کننده آیات الهی» ظالم تر است؟! اینان گرفتار عذاب الهی خواهند شد. البته زمانی که فرشتگان مرگ از آن‌ها سؤال می‌کنند، آنان با صراحت برضد خود شهادت می‌دهند و گمراهی خود را تأیید می‌کنند. پس در نتیجه همانند ستمکاران گذشته - من الجن و الانس - داخل آتش می‌شوند و در جهنم هریک از «متبوعین = رهبران» به پیروان‌شان می‌گویند: تقصیر شما کمتر از ما نیست، چرا که شما پشتوانه ما بودید. خلاصه، عذاب هر دو گروه، دو چندان خواهد بود.

آیات ۴۰-۴۲: تکذیب کنندگان مستکبر هرگز وارد بهشت نمی‌شوند مگر در صورتی که یک شتر بتواند از سوراخ سوزن عبور کند. سرانجام آن‌ها بستر و پوششی از آتش است.

آیات ۴۲-۴۳: کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وارد بهشت می‌شوند. ما از دل‌های آن‌ها کینه و حسد را نسبت به سایر بهشتیان دور می‌کنیم و آن‌ها لب به سپاس گشوده، می‌گویند: حمد و سپاس خدای را که ما را هدایت کرد.

آیات ۴۴، ۴۵: اهل بهشت به جهنمیان می‌گویند: ما به وعده بهشت رسیدیم، آیا شما به وعده جهنم رسیدید؟ می‌گویند: بله، تا این که کسی ندا می‌دهد: لعنت خدا بر ستمکاران باد! همان‌ها که راه خدا را بستند و آن را به مردم کج نشان دادند.

آیات ۴۶ - ۴۹: بین بهشت و جهنم دیوار بلندی است به نام «اعراف» که مردان بزرگ الهی روی آن قرار گرفته و به کسانی که در آستانه بهشت اند سلام می‌کنند، اما وقتی چشم‌شان به دوزخیان می‌افتد، ضمن بیزاری از آن‌ها، به آنان می‌گویند: آیا جمع‌آوری مال و استکبارورزی، امروز به دردتان خورد؟ اما ببینید که بهشتیان که شما باورشان نمی‌کردید چگونه از «ترس» و «اندوه» دور هستند.

آیات ۵۰، ۵۱: در یک صحنه عجیب، اهل جهنم به اهل بهشت می‌گویند: مقداری آب و نعمات بهشتی به ما هم بدهید، اما جواب می‌شنوند که این‌ها بر کافران حرام است؛ همان کافرانی که دین خدا را بازیچه انگاشته و دنیا را جدی گرفتند تا اینکه فریض را خوردند. خدا می‌فرماید: امروز ما شما را فراموش می‌کنیم، به تلافی روزی که شما فراموش کار شدید.

آیات ۵۲، ۵۳: ما کتابی آوردیم که مایه «هدایت» و «رحمت» است برای مؤمنان؛ ولی کافران منتظر تأویل (تهدیدات) آن هستند، در حالی که روز قیامت تأویل (عذاب) آن را خواهند دید؛ آن‌گاه به دنبال شفیع یا برگشت به دنیا خواهند بود. اینان زیان‌کارانند.

آیات ۵۴ - ۵۶: پروردگار شما همان است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوره) آفرید، سپس به تدبیر آن‌ها پرداخت و شب و روز را آفرید و خورشید و ستارگان را به تسخیر درآورد. بدانید که «آفرینش» و «تدبیر» در دست اوست. پس چنین پروردگاری را با «تضرع» و «پنهانی بخوانید و پس از اصلاح زمین از سوی خدا، در آن فساد نکنید، و البته خدا را از روی «ترس» و «طمع» نخوانید.

آیات ۵۷، ۵۸: خداوند بادها را می‌فرستد تا ابرهای باران را به طرف سرزمین‌های مرده ببرد و بباراند تا از آن میوه‌ها بروید. این چنین مردگان را زنده می‌کنیم و بدانید که زمین پاک، رویش پاک دارد و زمین ناپاک، گیاه بی ارزش می‌رویانند.

آیات ۵۹ - ۶۴: ما نوح را به سوی قومش فرستادیم تا بگوید فقط خدا را بپرستید؛ ولی سران فاسد گفتند: تو گمراهی! اما حضرت فرمود: من گمراه نیستم، بلکه رسول پروردگارم که پیام‌ها و نصایح او را به شما می‌رسانم. شما قوم نادان تعجب کرده‌اید که چرا یک انسان مأمور انذار شما شده تا به «تقوا» و «رحمت



خدا» رهنمودتان سازد. در هر صورت او را تکذیب کردند و ما هم نوح و مؤمنان را به کشتی نجات داده و بقیه را در آب غرق کردیم.

آیات ۶۵ - ۷۲: ما هود ع را به سوی قوم عاد فرستادیم تا بگوید فقط خدا را بپرستید؛ ولی سران فاسد گفتند تو نادانی و دروغ می‌گویی، اما حضرت فرمود: من نادان نیستم، بلکه رسول پروردگار و خیرخواه امین برای شما هستم. شما تعجب کرده‌اید که چرا یک انسان مأمور انذار شما شده است. ای مردم! نعمات خدا را یادآور شوید که شما را جانشین قوم نوح کرد و توانایی بخشید. قوم عاد گفتند: آیا خدای یکتا را بگیریم و معبودهای نیاکانمان را رها کنیم؟ تو وعده عذاب را عملی کن! حضرت فرمود: با اعمالتان عذاب خدا را به جان می‌خرید، پس منتظر باشید. سرانجام عذاب نازل شد و هود و پیروانش نجات یافته و همه کافران نابود شدند.

آیات ۷۳ - ۷۹: ما صالح ع را به سوی قوم ثمود فرستادیم تا بگوید فقط خدا را بپرستید. بر اثر معجزه حضرت صالح، شتری هویدا گشت و آن گاه به مردم گفت: کاری به کار او نداشته باشید که اگر آزارش دهید عذاب می‌شوید. شما باید از گذشتگان پند بگیرید و نعمات خدا را سپاس گوید که می‌توانید در دشت‌ها قصر بسازید و در کوهستان خانه بتراشید، پس روی زمین فساد نکنید؛ اما با این حال سران فاسد و مستکبر قوم برای ضعف اعتقادی مؤمنان تلاش کردند؛ ولی آن‌ها بر ایمانشان پافشاری کردند و در مقابل، مستکبران بر کفر خود تأکید ورزیدند. سرانجام، قوم ثمود شتر را کشتند و از صالح ع طلب عذاب کردند، پس زمین لرزه‌ای شدید آمد و اجسادشان را بی جان نمود. صالح ع به [اجساد] قومش گفت: من پیام خدا را رساندم و نصیحتتان کردم، ولی شما خیرخواهان را دوست نداشتید.

آیات ۸۰ - ۸۴: قوم لوط را به یاد آورید که دست به گناه بی سابقه (لواط) زدند و حضرت لوط^[۱] فرمود: چرا به جای زنان به سراغ مردان می‌روید که این کار، اسراف است! قوم گفتند: لوط و یارانش را که مردمانی پاک هستند از دیار خود اخراج کنید. پس آن حضرت و پیروانش را نجات دادیم، مگر همسر ستمکارش را سرانجام باران شدیدی [از سنگ] بر سرشان باریدن گرفت.



آیات ۸۵-۸۷: حضرت شعیب را به سوی مردم «مدین» فرستادیم تا بگوید فقط خدا را پرستش کنید و پیمانہ و ترازو را درست به کار برید۔ و کم فروشی نکنید و در زمین کہ خدا اصلاحش کرده، فساد نکنید، کہ این امور برای شما بہتر است، اگر بہ خدا ایمان آورید۔ همچنین دست بہ تہدید مؤمنان نزید و راہ را، کج نشان نہدید و نعمت خدا را بہ یاد آورید کہ اندک بودید و شما را کثیر کرد۔ بینید عاقبت مفسدان را۔ همچنین، مؤمن و کافر بہ اختلاف برنخیزند۔ و صبر پیشہ کنند تا خدا حکم کند کہ او بہترین داوران است۔

درس سی ام

خلاصه جز هشتم

از آیه ۱۱۱ سوره انعام تا ۸۷ سوره اعراف

درس سی ام

خلاصه جز هشتم

از آیه ۱۱۱ سوره انعام تا ۸۷ سوره اعراف

نکات مهم آیات:



سوره انعام:

آیه ۱۱۱: مشرکانی که معجزه را بهانه کرده اند، اگر ملائکه بر آنها نازل شوند و اگر مردگان زنده شوند و با آنها صحبت کنند، باز هم ایمان نمی آورند.

آیات ۱۱۲، ۱۱۳: خدا در برابر هر پیامبری، دشمنانی از جن و انس قرار دارد و همچنین برای مؤمنان، تا به گناه وسوسه کنند.

آیات ۱۱۴، ۱۱۵: از نظر رسول اسلام ص فقط خداوند برازنده داوری است که قرآن را برای هدایت بشر نازل کرده است و به وسیله آن، کلام خود را تمام و کامل نمود.

آیات ۱۱۶، ۱۱۷: خدا به رسولش می فرماید: مبدا گوش به سخنان مردم دهی؛ زیرا بیشتر آنها پیرو هوای نفس اند و البته خدا اهل هدایت و ضلالت را می شناسد.

آیات ۱۱۸ - ۱۲۱: مشرکان از مسلمانان می خواستند که از گوشت مردار بخورند زیرا خدا آن را کشت و از گوشت ذبح شده نخورند؛ ولی مسلمانان باید ضمن دوری از گناه - چه آشکار و چه پنهان - ، گوشت مردار نخورند.

آیه ۱۲۲: آیا مؤمن [که زنده محسوب می شود] با کافر [که مرده به حساب می آید] مثل هم اند؟ [اجساد]

آیه ۱۲۳: در هر سرزمینی خداوند سران و رهبران را برای فریب مردم قرارداده [تا آزمایش شوند].

آیه ۱۲۴: برخی مشرکان به گمان این - که نبوت شایسته افراد مسن و ثروتمند است با نبوت رسول اکرم ص مخالف بودند.

آیات ۱۲۵ - ۱۲۷: خداوند به مؤمنان «شرح صدر» و به گمراهان «تنگی سینه» می دهد. این سنت خداست و براساس همین سنت، مؤمنان صاحب خانه «امن و امان» می شوند دردنا و آخرت؛



آیات ۱۲۸-۱۳۲: شیاطین جن و انس در فریب مردم، همکاری دارند و در قیامت مورد خطاب قرار می گیرند که چرا با وجود رسولان، شما گمراه و گمراه کننده شدید. جوابشان چیزی جز محکوم کردن خودشان نیست. البته ارسال رسولان برای اتمام حجت است تا عذاب الهی موجه باشد. در قیامت نیز جن و انس برپایه اعمال شان به درجات و درکات می رسند.

آیات ۱۳۳، ۱۳۴: از آنجا که خدا هم بی نیاز و هم مهربان است، دلیلی ندارد که به کسی ظلم کند، ولی بر هرکاری قادر است، پس می تواند به وعده هایش عمل کند.

آیه ۱۳۵: خدا مشرکان و کافران را تهدید می کند که اگر می توانید مردم را گمراه کنید، انجام دهید ولی سرانجام کارتان با ماست.

آیات ۱۳۶-۱۴۰: به مجموعه ای از «اعتقادات» و «بدعت های» مشرکان اشاره کرده است:

تقسیم محصولات دامی کشاورزی میان «خدا» و «بت ها»؛

قربانی کردن فرزندان برای تقرب به خدایان؛

اختصاص برخی از محصولات کشاورزی و دامی به متولیان بتکده؛

تحریم سوار شدن بر گروهی از حیوانات سواری؛

بچه متولده شده حیوان، اگر زنده بود اختصاص به مرد داشت و اگر مرده بود، زن هم شریک بود.

آیات ۱۴۱-۱۴۴: در آیات، مشرکان بی خرد مورد تذکر خداوند قرار می گیرند:

چرا در تقسیم بندی هایتان، سهم خدا را کوچک می گیرید، درحالی که او خالق همه چیز است؟

چرا به دروغ می گوئید: خدا این ها را حرام کرده است؟!

به چه دلیلی می گوئید که تحریم ۷ها، کار خداست؟ مگر شما شاهد نزول این دستورات بودید؟

در پایان خداوند به مسلمانان دستور می دهد که: ۱- انفاق کنند بدون اسراف؛ ۲- از دستورات شیطان پیروی نکنند؛ ۳- از همه نعمات پاکیزه الهی بهره مند شوند.

آیه ۱۴۵: علت تحریم برخی چیزها «فسق» است و برخی دیگر «رجس».

آیات ۱۴۶، ۱۴۷: خداوند برخی گوشت ها را بر یهودیان حرام کرد، گرچه او دارای «رحمت وسیع» است.

آیات ۱۴۸، ۱۴۹: مشرکان، دلیل شرک خود را خواست خدا می دانستند؛ اگر چنین است پس چرا مشرکان گذشته عذاب شدند! گفتنی است که خدا قادر است همگان را هدایت کند، ولی او کسی را به ایمان اجبار نمی کند.

آیه ۱۵۰: بار دیگر خداوند به افتراهای مشرکان اشاره کرده و از رسولش می خواهد که پیرو هوای نفس آنها نباشد.





آیات ۱۵۱، ۱۵۳: بشنوید «ده فرمان خدایی» که بر مبنای عقل و فطرت است:

۱- برای خدا شریک قرار ندهید؛ ۲- به والدین احسان کنید؛ ۳- فرزندان را نکشید؛ ۴- از فحشا دوری کنید؛ ۵- نفس محترمه را نکشید؛ ۶- به مال یتیم دست درازی نکنید؛ ۷- در معاملات به عهد خود وفا کنید؛ ۸- در سخن، عدالت را پیشه کنید؛ ۹- به عهدهای خود وفادار باشید؛ ۱۰- در صراط مستقیم قرار گیرید.

آیات ۱۵۴، ۱۵۵: خداوند، «تورات» را تمام کننده نعمت و قرآن را «پر برکت» قرار داد.

آیات ۱۵۶، ۱۵۷: قرآن بر اهل حجاز نازل شد تا نگویند چرا بر ما کتابی نازل نشد و بر یهود و نصاری نازل شد! همچنین قرآن را با زبان و فرهنگ آنها آوردیم تا نگویند اگر قرآن بر طبق فرهنگ ما بود، ما از همه هدایت پذیرتر بودیم.

آیه ۱۵۸: روزگاری فرا خواهد رسید که نه ایمان آوردن سودی دارد و نه انجام عمل صالح.

آیه ۱۵۹: خدا از رسولش می خواهد که با «تفرقه افکنان در دین» همراهی نکند.

۱۶۰: کسی که یک «حسنه» به قیامت ببرد، ده برابر پاداش گیرد، در حالی که آورنده یک «سیئه» به همان میزان کیفر می شود.

آیات ۱۶۱-۱۶۳: خداوند از رسول اکرم ص خواسته که از آئین یکتاپرستی ابراهیم ع که همان «صراط مستقیم» است پیروی کند، پس او نیز همه عبادات و مرگ و حیاتش را در این مسیر سپری می کند. آن حضرت اولین انسان مسلمان در عالم هستی است.

آیه ۱۶۴: هر گناه کاری بار گناهش را خودش حمل می کند.

آیه ۱۶۵: انسان که خلیفه الله است با عملش می تواند برتر از دیگران شود. این اختلافاتی که در میان انسان هاست مایه آزمون الهی است تا اهل دوزخ و اهل بهشت مشخص شوند.

سوره اعراف:

آیه ۱: «المص» از حروف مقطعه قرآنی است.

آیه ۲: خدا به رسولش «شرح صدر» داد تا به خوبی انجام وظیفه کند.

آیه ۳: گرچه «پندگیران» اندک اند؛ لیکن خدا خواسته که بندگانش پیرو او باشند.

آیات ۴، ۵: گاهی عذاب الهی به سراع انسان می آید در حالی که خواب است، همان طور که به سراغ برخی گذشتگان رفت.

آیات ۶، ۷: حتی انبیای الهی پرسش می کنند و خداوند اعمال کوچک و بزرگ را بیان خواهد کرد.

آیات ۸-۹: در قیامت، در یک کفه ترازو «حق» و در کفه دیگر «اعمال» قرار می گیرند، پس گروهی زیان خواهند کرد.



آیه ۱۰: با این که خداوند امکانات زندگی را روی زمین فراهم کرده، ولی اهل سپاس اندک اند. آیات ۱۱-۱۵: از این آیه، «داستان آفرینش آدم» شروع می شود: با آفرینش آدم ع همه فرشتگان بر او سجده کردند مگر ابلیس؛ زیرا ماده آفرینش خود را آتش می دانست که از خاک برتر است! به فرمان الهی، ابلیس به دلیل تکبرش می بایست از آن بهشت برزخی بیرون برود، پس از خدا مهلت زنده ماندن خواست و خدا تا روز معلوم اجازه داد.

آیات ۱۶-۱۸: ابلیس به خدای سبحان گفت: چون مرا گمراه کردی، من هم آدمیان را از چهار جهت محاصره کرده و از مسیر راست دورشان می کنم و خداوند فرمود: جهنم را از تو و پیروانت پرخواهم کرد. آیات ۱۹-۲۱: پس خدای سبحان رو به آدم ع کرد و فرمود: بهشت برزخی در انتظار شماست، بروید و از میوه هایش بخورید، مگر فلان میوه. ابلیس که خود را به آنها رسانده بود، گفت: اگر از آن میوه ممنوعه بخورید یا صاحب ویژگی های ملائکه می شوید. - مثل طول عمر، پاکی - یا برای همیشه زنده خواهید ماند و من حاضرم قسم بخورم که سختم از روی خیرخواهی است.

آیات ۲۲-۲۵: سرانجام آدم و حوا فریب شیطان را خوردند و ضمن پذیرش این خطا، از خدا طلب بخشش کردند و خدا نیز ضمن بخشش آن ها، دستور داد به زمین بروند و به مرگ و حیات خود ادامه دهند. آیات ۲۶، ۲۷: ای فرزندان آدم! لباسی می دهیم تا اندام های تان را بپوشانید و لباس تقوا هم می دهیم تا باطن تان را بپوشانید، اما مواظب شیطان باشید که فریب تان ندهد، همان گونه که پدر و مادرتان را فریب داد. آیات ۲۸، ۲۹: مشرکان در قبال کارزشت شان می گفتند: ما از نیاکان مان پیروی می کنیم و درضمن خدا هم چنین دستور داده است؛ این درحالی است که خدا به «عدل» دستور داده است. گفتنی که مؤمنان باید در عبادت ها، خدا را خالصانه بخوانند.

آیه ۳۰: همواره در جوامع بشری دو گروه وجود دارند: ۱- هدایت یافته؛ ۲- گمراهان. آیات ۳۱-۳۳: فرزندان آدم لازم است که زینت خود را در عبادتگاه ها حفظ و شکم خود را هنگام خوردن از اسراف باز دارند. البته «زینت الهی» و «رزق پاکیزه» حلال است، ولی کارزشت، گناه، ستم، شرک و افتراء به خدا حرام است.

آیه ۳۴: امت ها و جوامع بشری دارای اجل و مدت معین هستند و تغییری در آن نیست. آیات ۳۵، ۳۶: ای فرزندان آدم، از رسولانی که آیات الهی را بر شما می خوانند، پیروی کرده تقوا را رعایت کنید و عمل صالح انجام دهید که مستکبران تکذیب کننده، جای شان دوزخ است. آیات ۳۷-۳۹: ظالم ترین انسان ها کسانی هستند که «به خدا دروغ بسته» و «آیات را تکذیب» کردند. آن ها در آستانه قیامت بر علیه خود شهادت داده و همانند جن و انس ستمگر، به دوزخ می روند. جهنمیان، رهبران

فاسد خود را لعن می کنند؛ و رهبران نیز، پیروان خود را محکوم می کنند و می گویند: این شما بودید که از ما پشتیبانی کردید. با این حال هردو گروه «تابع» و «متبوع» عذاب شان دو چندان است.

آیات ۴۰، ۴۱: تکذیب کنندگان مستکبر هرگز به بهشت نمی روند آتش آن ها را احاطه خواهد کرد.

آیات ۴۲، ۴۳: «ایمان» و «عمل صالح» انسان را بهشتی می کند و خدا از دل آن ها کینه و حسادت را دور می دارد.

آیات ۴۴، ۴۵: در قیامت ندایی شنیده می شود که: لعنت بر ظالمین که راه کج را به انسان ها نشان دادند.

آیات ۴۶ - ۴۹: اعراف نشینان بر اهل بهشت سلام می کنند، اما به جهنمیان می گویند: کدام گردآوری های تان به کارتان آمد؟ حالا بهشتیان را ببینید که چگونه از «ترس» و «اندوه» به دور هستند؟

آیات ۵۰، ۵۱: جهنمیان از بهشتیان طلب ارزاق بهشتی می کنند، در حالی که این نعمت ها بر آنان حرام است؛ زیرا در دنیا، دین را بازیچه و دنیا را جدی می گرفتند. آن ها در دنیا قیامت را فراموش کرده بودند و امروز، خدا آن را فراموش می کند.

آیات ۵۲، ۵۳: خدا کتاب هدایت و رحمت فرستاد، مؤمنان پذیرفتند و کافران به دنبال تأویل آن رفتند؛ در حالی که تأویل آن که همان عذاب است، در قیامت رخ خواهد داد. اینان در قیامت در خواست شفیع یا برگشت می کنند.

آیات ۵۴ - ۵۶: پروردگارتان، آسمان، زمین، شب، روز، خورشید، ماه و ستارگان را آفرید و سپس به تدبیر آن ها پرداخت، پس پروردگارتان را با «تضرع»، «ترس»، «طمع» و در «پنهانی» بخوانید و در زمین، فساد نکنید.

آیات ۵۷، ۵۸: خدا به وسیله باد، ابرهای باران را به سرزمین های مرده منتقل کرده و می باراند تا گیاهان برویند؛ البته مردگان نیز چنین زنده می شوند. با این حال، زمین پاک، ثمرات پاک و زمین ناپاک ثمرات بی ارزش می رویانند.

آیات ۵۶ - ۶۴: خدا حضرت نوح را برای اقامه «توحید» فرستاد؛ ولی سران قوم او را گمراه خواندند، اما حضرت فرمود: من گمراه نیستم، بلکه پیامبر و خیرخواه شمایم. قوم نوح از این که یک انسان پیامبر خدا شده تعجب کرده و در نهایت وی را تکذیب نمودند و خداوند نیز همه را غرق کرد، مگر نوح و پیروانش را که بر کشتی سوار بودند.

آیات ۶۵ - ۷۲: سپس خداوند حضرت هود را به سوی قوم عاد فرستاد، ولی سران قوم او را نادان خواندند، اما حضرت فرمود: نادان نیستم، بلکه پیامبر ص و خیرخواه شمایم. این قوم نیز از پیامبر شدن یک انسان اظهار تعجب می کردند؛ با این حال هود از آنان می خواست که یادآور نعمات الهی باشند، از جمله «توانمند شدن»؛ ولی

قومش حاضر نبودند که از روش نیاکان شان دست برداشته و خدای یگانه را بپرستند و حتی خواهان عذاب شدند و حضرت به آنان گوشزد کرد که با رفتارهای شان عذاب را نزدیک کرده و باید منتظر وقوع آن باشند. آیات ۷۳ - ۷۹: خداوند حضرت صالح را به سوی قومش ثمود فرستاد و «ناقه ای» معجزه حضرت بود که به سفارش آن حضرت، مردم نباید به آن آزار می رساندند، وگرنه عذاب بر آنان نازل می شد. از نعمت های این قوم آن بود که در دشت و کوهستان قصرهای مجلل و محکم می ساختند. مستکبران قوم ثمود تلاش می کردند که مؤمنان را در اعتقادشان سست کنند، اما موفق نمی شدند. سرانجام، آن ها شتر را کشتند و گستاخانه طلب عذاب کردند، پس زمینه به لرزه درآمد و اجسادشان پراکنده شد. این بود پایان کار قومی که پیام خدا و نصیحت پیامبرشان را نادیده گرفتند.

آیات ۸۰ - ۸۴: قوم لوط را ببینید که گناه بی سابقه «لواط» را مرتکب شدند و پیامبرشان آنان را سرزنش کرد که چرا به جای زن به سراغ مردان رفته اید. قومش، با این که او را پاک می دانستند؛ اما خواهان اخراج او از شهر شدند. سرانجام خداوند آن حضرت و مؤمنان را نجات داد و با بارش «سنگ» همه را نابود ساخت. آیات ۸۵ - ۸۷: خداوند شعیب ع را به سوی مردم «مدین» فرستاد تا دستورات زیر را به آن ها ابلاغ کند: ۱- پیمانه و ترازو را درست بکشید و کم فروشی نکنید؛ ۲- روی زمین فساد نکنید؛ ۳- مؤمنان قوم تان را تهدید نکرده و راه کج را نشان ندهید؛ ۴- سپاس گزار باشید که از ضعف به قوت رسیدید؛ ۵- در جامعه ایجاد اختلاف و اغتشاش نکنید.

